



بخش دوم گفتگوی اختصاصی پنجره ایرانیان با عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی البرز و ایران

## فضای پساتحریم؛ سونامی واردات یا رونق تولید

اشاره:

«فضای پس از تحریم را چراغی لازم است تا فرصت‌ها و تهدیدهای برهم‌زننده صنف را به دقت واکاوی کنیم.» این سخنان را از زبان رئیس انجمن تولیدکنندگان پروفیل و از اعضای تاثیرگذار اتاق بازرگانی ایران می‌شنویم که این روزها بیش از گذشته نگران و فعال است. چراکه مبدا این فرصت‌ها سوخته و تهدیدها نابودگر شود. فضای ناهمگون صنعت پس از توافقات هسته‌ای از سویی و بی‌توجهی مسئولان از سویی دیگر باید‌ها و نیاید‌های بسیاری را پیش روی صنعتگران قرار داده است. سونامی واردات در شرایط آزادی مرزها و حجم عظیم پول‌های سرگردانی که به این واسطه وارد کشور خواهد شد، سازوکار و فعالیت سیستم بانکداری کشور و هزاران نکته ناکفته را در دومین قسمت از گفتگوی اختصاصی نشریه پنجره ایرانیان با مهندس حسین طوسی، عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی البرز و ایران و رییس انجمن صنایع پروفیل یو.پی.وی.سی در و پنجره ایران، می‌خوانید:

برسیم. البته این چشم‌انداز باید از حدس و گمان فراتر رفته و با نگاهی دقیق و کارشناسانه بررسی شود. برای تحقق این مهم لازم است عواملی مانند نمادهای فعلی اقتصاد و صنعت، تحلیل واقع‌بینانه شرایط موجود، تجربیات گذشته و خردجمعی کارشناسان و سازوکارهای قانونی تجارت و صنعت را در نظر بگیریم. تنها در این صورت است که می‌توان چراغی در برابر مسیر پیش رو گذاشت. افق فضای پس از تحریم و آگاهی کامل از آنچه پیش روی ماست و هدایت و مدیریت صحیح این شرایط جدید و فرصت‌ها ضامن موفقیت ماست. آنچه که

■ در گفتگوی پیشین، جنابعالی از شرایط حاکم بر صنعت تولید پروفیل در کشور، مشکلات موجود در آن و تاثیر سرمایه‌های خارجی در این حوزه تحلیلی ارائه دادید. اگر موافق باشید به سراغ کلیت حوزه تولید برویم؛ به‌ویژه با توجه به حصول توافق هسته‌ای، پیش‌بینی شما از شرایط پیش رو چیست؟ آیا می‌توان چشم‌انداز امیدبخشی را برای صنایع تولیدی کشور متصور بود؟ برای رسیدن به پاسخ این سوال لازم است افق اقتصاد، تولید و صنعت کشور را با دقت نگاه کنیم تا حتی‌الامکان به چشم‌اندازی روشن‌تر از از فضای اقتصادی

به طور مثال، بانک مرکزی که وظیفه نظارت بر بانکها را به عهده دارد، متاسفانه نظارت بسیار ضعیفی داشته است. سیستم بانکداری کشور آسیبهای شایان ذکری به اقتصاد کشور وارد کرده است. به خصوص بانکهای خصوصی که در واقع کارکرد بنگاههای نزول خواری را دارند. در ساختار بانکها تنها پول کار می کند؛ به این شکل که بانکها سپرده های مردم را گرفته به آن ارزش افزوده یا همان نزول را اضافه می کنند، حتی مالیات هم به این سود تعلق نمی گیرد. این تنها تصویری از فضای رسمی پولی کشور است، در خصوص فضای غیررسمی که دیگر نیازی به بیان آن نیست و کسی کنترلی بر آن ندارد. کلیه این موارد در اقتصاد تاثیر گذار است.

هر گاه جزئی از اقتصاد کشور دچار بیماری شود، به سرعت بخش های دیگر این اقتصاد نیز دچار بیماری خواهند شد و این بیماری از اقتصاد به تولید و صنعت نیز انتقال پیدا خواهد کرد. مسئولان همواره از "حمایت از تولید" دم می زنند، اما این مساله تنها یک شعار است. با وجود شعارهایی از این دست همانند تقویت تولید، حمایت از تولید، حمایت از تولیدکننده، با این حال همواره بیشترین آسیبها به تولیدکنندگان وارد شده است. نابسامانی سیستم بانکداری بازار پولی کشور، نقدینگی حجیم و سرگردان موجود در کشور باید توسط بانک مرکزی کنترل شود، که متاسفانه نشده است.

**وزیر و معاون وزیر صنایع رسماً اعلام کردند که ۱۴ یا ۱۵ هزار واحد صنعتی به ورطه ورشکستگی کشیده شده و تعطیل شدند، این موضوع به واقع یک فاجعه است و نمی توان به راحتی از آن گذشت و آن را تنها به عنوان یک خبر تلقی کرد. باید دید چرا این ۱۵ هزار واحد صنعتی به تعطیلی کشیده شدند و دلیل ادامه این تعطیلی ها چیست؟**

#### ■ لطفاً کمی پیرامون مکانیزم مخرب هر یک از این موارد توضیح دهید.

به طور مثال سیستم بانکداری و نیز سود دو رقمی که توسط بانکها ارائه می شود، مجال فعالیت اقتصادی تولیدی را از هر تولید کننده ای سلب می کند. به این دلیل که وقتی می توان سرمایه خود را با سود بالای ۲۵ تا ۳۰ درصد، بی هیچ مالیات و دردسری در بانک نگه داشت، یا با فروش اوراق مشارکت توسط بانکها و موسسات مالی مجاز و غیر مجاز که بیشترین فساد اقتصادی نیز از طریق همین اوراق پدید می آیند — دیگر کسی در زمینه تولید سرمایه گذاری نمی کند.

نقدینگی وارد بخش تولید نمی شود. نقدینگی که در چرخه تولید بنگاه های کوچک و بزرگ کشور وجود دارد، بسیار اندک است و پاسخگوی فعالیت های عظیم و گسترده نیست. بانکها تمایلی به ارائه تسهیلات به بنگاه های کوچک و بزرگ ندارند؛ زیرا تسهیلات خود را بسیار راحت تر در اختیار فعالیت های کاذب تجاری مانند واسطه گری و سفته بازی قرار می دهند و می توانند با عقد قراردادهای این گونه به درآمدزایی برسند. در چنین شرایطی نقدینگی وارد تولید نخواهد شد.

همواره بانک مرکزی و مقامات دولتی اعلام می کنند که فلان مبلغ از نقدینگی کشور، فلان مبلغ از اعتبارات بانکها، فلان مقدار از صندوق ذخیره ارزی یا فلان مبلغ از سپرده گذاری بانکها باید در اختیار صنعت تولیدی قرار گیرد؛ اما در کجا این اتفاق افتاده است؟ آمار تسهیلات بانک مرکزی در سایت این بانک موجود است، تنها با نگاهی گذرا درمی یابیم که ارقام اختصاص داده شده به بخش تولید با ارقام دیگر قابل مقایسه نیست. این در حالی است که نقدینگی مانند اکسیژن برای بخش تولید است.

مشخص است، وضعیت صنعتی و تولیدی بخش خصوصی در ۱۰ سال گذشته، کاملاً روشن و البته تاسف آور است؛ نگرش و تصمیمات مدیران و متولیان صنعت کشور در دولت نهم و دهم کاملاً گواهی است بر این مدعا. با این حال، منشا مشکلات صنعت و اقتصاد کشور ما تنها تحریمها نبوده است، بلکه ساختار اقتصاد کشور از بنیان بیمار است و نیازمند تشخیص و مداوا می باشد. واقعیت آن است که بخش خصوصی در صنعت و اقتصاد کشور از جایگاه ویژه ای برخوردار نیست. زمانی که کشور از بیشترین درآمدهای نفتی تاریخ برخوردار بود، سیاست های دولت وقت حاکی از آن بود که دولتمردان نهم و دهم خود را بی نیاز از فعالیت بخش خصوصی می دانند.

سرازیر شدن این درآمدهای کلان نفتی، مسئولان وقت کشور را شگفت زده کرد. در شرایطی که حجم عظیمی از پول و سرمایه به یکباره وارد کشور می شود، لازم است تا پیش و سیاست صحیحی جهت مدیریت اقتصادی و هزینه کردن درست این سرمایه ها اتخاذ شود. یقیناً اگر این منابع با مدیریت صحیح هدایت نشوند، ساختار اقتصادی کشور با تهدیدی نابودگر مواجه خواهد شد که متاسفانه این اتفاق افتاد. به عبارت دیگر، درآمدهای بالای ارزی و عدم مدیریت راهبردی و کارشناسانه این درآمدها، پایین نگه داشتن مجازی نرخ ارز توسط دولت و نهایتاً عدم مدیریت مناسب ارزش پول ملی، باعث شد تا "سونامی واردات" کشور را در برگیرد.

این فاجعه تا جایی پیش رفت، که همه چیز، اعم از مواد غذایی، گندم و محصولات کشاورزی و دامی، محصولات صنعتی، کالاهای مصرفی و تجملی و کالاهای ساخته شده همگی وارداتی بود. در حالی که ورود چنین اقلامی برای اقتصاد هر کشوری بسیار زیان آور خواهد بود. حتی اقتصادهای بزرگ دنیا نیز کنترل و نظارت صحیحی بر واردات خود دارند. از این رو این تصور که عموماً در کشور ما می گویند در اقتصاد آزاد حد مرزی وجود ندارد، سخنی کاملاً اشتباه است.

در کلیه کشورها، علی الخصوص اقتصادهای بزرگ دنیا، برای تنظیم واردات و صادرات و تولید داخلی و ایجاد یک موازنه رقابتی در اقتصاد کشور همواره مدیریتی آگاهانه حاکم است. اما متاسفانه هرگز چنین سازوکاری در اقتصاد ما وجود نداشته و همواره در سیاستها صنعت و تولید به نفع واردات آسیب دیده و عقب نشینی کرده است. ■ دقیقاً منظور شما چه نوع سازوکار مدیریتی است؟ اگر منظور مدیریت نهادهای دولتی است، در این صورت آیا به سمت اقتصاد دولتی حرکت نخواهیم کرد؟

لازم است کمی مساله را باز کنیم؛ ساختار اقتصادی کشور ما بر اساس اقتصاد دولتی است و بخش خصوصی نقش چندانی در آن ندارد. در چنین وضعیتی مدیریت اقتصاد نیز دولتی خواهد بود. از این رو تصمیمات و رویکردها بر پایه استفاده از خزانه دولت اتخاذ می شود. مادامی که خزانه دولت پر باشد، دیگر بخش خصوصی برای تصمیم گیران محلی از اعراب نخواهند داشت.

در گفتگوی قبلی نیز به این مهم اشاره کردم که وزیر و معاون وزیر صنایع رسماً اعلام کردند که ۱۴ یا ۱۵ هزار واحد صنعتی به ورطه ورشکستگی کشیده شده و تعطیل شدند، این موضوع به واقع یک فاجعه است و نمی توان به راحتی از آن گذشت و آن را تنها به عنوان یک خبر تلقی کرد. باید دید چرا این ۱۵ هزار واحد صنعتی به تعطیلی کشیده شدند و دلیل ادامه این تعطیلی ها چیست؟ لازم است این موارد را آسیب شناسی کنیم تا دریابیم چه عواملی باعث چنین فاجعه ای شده است. اگر با نگاه آسیب شناسانه موضوع را بررسی کنیم، در می یابیم مواردی که باعث این اتفاق شده است: کمبود نقدینگی، بدهی های انباشته بانکی، سود بالای بانکی، رقابت ناسالم، فقدان استاندارد و معیارهای کیفیت کالا، مدیریت کیفیت کالا و سونامی واردات است.

#### ■ منظور شما از رقابت ناسالم چیست؟ آیا منظور پدیده رانت خواری است؟

بله، ساختار اقتصاد کشور ما، ساختاری رانتی است و این واقعیت بر کسی پوشیده نیست. فساد، رانت و سوءاستفاده از روابط در اقتصاد ما به وفور یافت می شود، و امروزه نیز با افشای اخبار متعدد، این واقعیات قابل انکار نیستند. نتیجه آنکه اقتصاد ما اقتصادی بیمار است و گلوگاههایی که لازم است کنترل شوند از جانب دولت مدیریت نمی شوند.

با احتساب کلیه هزینه‌ها، بخش تولید بین ۲۵ تا ۳۰ درصد هزینه مالی خواهد داشت. به این معنا که بخش تولیدی کشور بین ۲۵ تا ۳۰ درصد هزینه پرداخت می‌کند، و چنین هزینه‌ای در تولید صنعتی بازگشت نخواهد داشت. ساختار صنعت با تجارت و واسطه‌گری تفاوت دارد. البته این امر تنها اختصاص به ایران ندارد و در همه جای دنیا این تفاوت وجود دارد.

### ■ آیا منظور شما این است که صنعت به دولت وابستگی اقتصادی دارد؟

بله، از حیث تامین نقدینگی چنین وابستگی وجود دارد و منبع تامین مالی صنایع کوچک بانک است.

### ■ آیا این وابستگی صنعتی در نمونه‌های بین‌المللی نیز دیده می‌شود؟

این مقایسه اساساً مقایسه درستی نیست. چرا که اساس و زیرساخت‌های پول و سرمایه در صنعت و اقتصاد این کشورها با کشور ما متفاوت است. در دیگر کشورها بهره بانکی، تک‌رقمی است و اساساً سیستم آنها کاملاً متفاوت است. در برخی کشورها بانک‌ها برای اعطای پول بهره می‌گیرند، نه اینکه بهره بپردازند. در چنین جوامعی سازوکار متفاوت است و بانک‌ها به پول سودی نمی‌دهند. در حالی که در کشور ما برعکس است.

در مرحله بعدی هجوم سرمایه‌های سرگردان به سمت مواردی مانند طلا، سکه، مسکن و واردات است، حتی ممکن است هجوم نقدینگی به سمت بازار خودرو نیز برود. همین امر باعث می‌شود که یکباره قیمت‌ها افزایش پیدا کند. در واقع نقدینگی ما در سال‌های اخیر ۷۶ یا ۷۷ بار افزایش پیدا کرده است. این نقدینگی حجیم و سرگردان، علاوه بر ایجاد تورم، غیر قابل کنترل نیز خواهد بود و همچون سیل و سونامی نابودگر بوده و قابل کنترل نیست.

### ■ تفاوت مکانیزم صنعت و تولید در کشور ما با کشورهای خارجی چیست؟

اصولاً صنعت فعالیت چندان سودآوری نیست، ارزش افزوده در این حوزه میزان مشخصی دارد. این یک قاعده است که ارزش افزوده‌ایی که بنگاه‌های تولیدی ایجاد می‌کنند میزان مشخصی بوده و رقم بسیار بالایی نیست. این مساله در تمام دنیا یکسان است. اهمیت تولید را باید در موارد دیگری جستجو کرد: (۱) اینکه تولید در داخل کشور انجام می‌شود؛ (۲) پیشرفت تکنولوژی و ایجاد رقابت؛ (۳) اشتغال‌زایی؛ (۴) پرداخت مالیات و عوارض توسط تولیدکننده؛ (۵) تقویت خزانه دولت در نتیجه این موارد (۶) و نهایتاً کمک به تامین اجتماعی با پرداخت ۳۰ درصد از حق بیمه. کلیه این موارد برای رشد و تکامل اقتصاد یک کشور الزامی است. مکانیزم یک اقتصاد خوب باید کلیه این جوانب را داشته باشد، و در چنین شرایطی اگر بخشی از آن دچار آسیب شود به دیگر بخش‌ها نیز سرایت نخواهد کرد. اما در اقتصاد ما چنین

سازوکاری وجود ندارد. متأسفانه مواردی وجود دارد که هدف اصلی آنها از تولید، پول‌شویی است؛ یا اینکه بیش از ۸۰ درصد فعالیت‌های اقتصادی، به دلیل ناتوانی سیستم مالیاتی کشور، مالیات پرداخت نمی‌کنند. در واقع، این قبیل درآمدها مالیات پرداخت نکرده، اشتغال، توسعه و رقابت ایجاد نمی‌کنند. از این‌رو چنین مواردی به اقتصاد کشور آسیب‌های فراوانی وارد خواهند کرد. متأسفانه باید اذعان کنم بیشتر بنگاه‌هایی که در کشور ما به امور تولید می‌پردازند، همواره دچار مشکل بوده‌اند و از این موارد آسیب‌های فراوانی متحمل شده‌اند. تولیدکنندگان با حجم بسیار اندکی از توانایی‌های خود مشغول تولید هستند. تشریح جوانب مختلف این امر بسیار مفصل و زمان‌بر بوده، و باید در گفتگوهای آتی بدان پرداخت.

این دست از موارد باعث شده تا بنگاه‌های کوچک ما کاملاً کوچک شده و در حاشیه قرار بگیرند. این در حالی است که در تمام دنیا، نگاه به‌سوی بنگاه‌های کوچک و متوسط است؛ چراکه این بنگاه‌ها بسیار چابک بوده و برخلاف صنایع بزرگ، به سرعت می‌توانند تکنولوژی را وارد چرخه تولید خود کنند به‌طور مثال چنین تغییر و تحولاتی در صنایع سیمان و فولاد خیلی سخت و به‌ندرت اتفاق می‌افتد. همچنان که ما هنوز در صنعت گاز خود نتوانسته‌ایم تکنولوژی‌های نوین را آنگونه که کشورهای همسایه چون قطر از آن بهره‌برداری می‌کنند به‌سامان کنیم.

همچنین بنگاه‌های کوچک از این راه توان کسب درآمدهای هنگفتی دارند، به‌صورتی که این امر باعث تحول شگرف در اقتصاد برخی از کشورها شده است. این مسئله چیزی نیست که دولت‌مردان و تصمیم‌گیران اقتصادی از آن بی‌خبر باشند، زیرا شما این موارد را در گزارش‌های دولتی نیز مشاهده می‌کنید. چنین گزارش‌هایی نشان می‌دهند که آسیب‌شناسی به درستی انجام شده اما تصمیمات مناسبی اتخاذ نشده است. در واقع بنگاه‌های کوچک موتور محرکه اقتصاد هستند اما این ویژگی در کشور ما نادیده گرفته شده است. این بنگاه‌ها برای تامین نیازهای مالی خود بیش از هر جای دیگری به بانک‌ها نیاز دارند. در همه دنیا نیز بانک‌ها هستند که این صنایع کوچک را مورد حمایت قرار می‌دهند. اما در کشور ما این‌گونه نیست.

### ■ چرا و به چه دلیل بانک‌ها وظایف خود را انجام نمی‌دهند؟

نخستین دلیل آن عدم تمایل بانک‌ها به ارائه این دست از تسهیلات می‌باشد. دوم به دلیل سود بالای بانکی، و سوم مقررات بسیار سخت و زمان‌بر و مشکلاتی که برای دریافت چنین تسهیلاتی وجود دارد. اما "زمان" آسیب‌های خود را به تولیدکننده تحمیل می‌کند. این نکته مهم را به‌عنوان مقدمه‌ای بر مطالب و گفتگوی ماه آینده مطرح کردم که به‌تفصیل به تشریح ابعاد مختلف آن بپردازیم.

